

نقش قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی عراق)

نوع مقاله: پژوهشی

سوناز نصیری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱

چکیده

قدرت نرم به دولت‌ها توصیه می‌نماید در مواجهه با مسائل جدیدی جهانی و به منظور تامین منافع ملی خود، تاکید صرف بر توان نظامی و قدرت اقتصادی به هیچ عنوان راهگشا نخواهد بود و می‌بایست منابع ناملموس همچون؛ فرهنگ، ایدئولوژی، ارزش‌ها و همچنین مجموع سیاست‌ها را که مجموعاً و یا هر یک به تنهایی مولد جاذبه و موجد اقناع هستند، به منظور شکل‌دهی به ترجیحات، اولویت و خواست‌های دیگران به کار ببندند. وقوع انقلاب اسلامی کشور ایران را در میان سایر کشورها از جمله عراق صاحب منابع قدرت نرم متعدد و متنوعی ساخت که عمدتاً بر محوریت اسلام و آرمان‌های انقلابی بنیان گذاشته شده‌اند. در این راستا سوال اصلی که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن بر آمده است این است که نقش قدرت نرم در سیاست خارجی ج.ا. ایران در قبال کشور عراق چیست، به منظور پاسخگویی به این پرسش، فرضیه این پژوهش به وجود قدرت نرم ج.ا. ایران در عراق، در سه سطح منابع عقیدتی-ارزشی، منابع فرهنگی-اجتماعی و منابع سیاسی باورمند است. این منابع از طریق سیاست‌های رسمی و همچنین دیپلماسی عمومی و اجزای مهم آن نظیر؛ دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی رسانهای قابلیت تحقق و تبدیل یابی به قدرت بالفعل را دارند. روش انجام پژوهش "توصیفی-تحلیلی" است.

واژه‌گان کلیدی: قدرت نرم، نقش، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، عراق.



مقدمه

با ورود به سده ۲۱ میلادی و در برهه‌ای که اجماع علمی متفکران سیاسی، این قرن را آغاز دوره گذار از موج دوم تمدنی به «عصراطلاعات» در جهان توسعه‌یافته و گسترش مناسبات عقلانی در جهان در حال توسعه می‌دانند و همزمان با تلاش‌هایی که در جهت جهانی شدن و انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی در حال رخ دادن است تغییرات عمده‌ای در منابع قدرت ملی کشورها پدید آمده است. این تغییرات موجب شده منابع سخت‌افزاری قدرت تنها دلیل قدرتمندی کشورها و مهم‌ترین منبع از منابع قدرت ملی آنها محسوب شود. در واقع روند انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی به طور چشمگیری تعریف و برداشت کشورها و صاحب نظران از قدرت و منابع آن را دگرگون کرده است. قدرت نرم یکی از این اشکال نوین قدرت است که بذر خلاف قدرت سخت بذر توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران استوار است. در واقع، قدرت نرم به عنوان «چهره دوم قدرت» نوعی «قدرت رابطه‌ای» است که از طریق به کارگیری منابع نامحسوس و ناملموسی همچون؛ «فرهنگ»، «ارزش‌ها»، «ایدئولوژی» و همچنین «مجموع سیاست‌ها» به دنبال تأمین منافع ملی، کسب اهداف و تحقق خواست‌ها از طریق ایجاد اقلان در طرف مقابل است. قدرت نرم به عنوان واقعیتی تاریخی در روابط گذشته و حال روابط میان کشورها به رهبران‌شان توصیه می‌نماید اگر بتوان کاری کرد که دیگران را به سمت پذیرش، اتخاذ و دنباله روی از ایده‌آل‌ها، خواست‌ها و اولویت‌هایشان ترغیب نمایند دیگر مجبور نخواهند بود در مسیر تأمین منافع و تحقق اهداف خود، صرفاً از اجبار، تطمیع و در مجموع از منابع قدرت سخت استفاده کنند. از دیدگاه قدرت نرم، این موضوع منجر به کاهش هزینه‌های اقدام و همچنین مشروعیت‌بخشی به اقدامات سیاسی خواهد شد. به کارگیری قدرت نرم در روابط بین‌الملل منحصر به یک یا چند کشور خاص نیست و تمامی کشورها از جمله ج.ا.ایران با توجه به میزان دسترسی و دستیابی به منابع این ندوع قدرت و همچنین با آگاهی و اطلاع از میزان اهمیت و جایگاهی که برای این موضوع قائل است می‌توانند در صورت عملیاتی‌سازی منابع آن به قدرت تحقق یافته و عینی این نوع قدرت را در راستای تحقق بخشیدن به اهداف و

خواسته‌های خود در محیط بین‌المللی و در ارتباط با سایر کشورها از جمله کشور جمهوری عراق (نوبین) به کار گیرد. با توجه و دقت در مفهوم قدرت نرم ج.ا.ایران (توانایی نفوذ، جذب و اقتناع اذهان و رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه‌های محسوس (و شناخت منابع آن در کشور عراق می‌شود که عمده منابع قدرت نرم ج.ا.ایران در این کشور پس از وقوع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ه.ش بذر اساس معنویت باوری، ارزش‌های اسلامی و به تبع آن آموزه‌ها و سیاست‌های انقلابی بنا گردیده است. منابعی که نه تنها فعال‌سازی و به کارگیری آنان در کشور عراق ایجاد جذابیت می‌نماید؛ بلکه صرف وجود این منابع از جمله؛ دین اسلام، مذهب تشیع، عدالت‌خواهی شیعی، مردم‌سالاری دینی، حمایت از مظلومان و محرومان، وجود احزاب و گروه‌های طرفدار اندیشه و عمل انقلاب اسلامی و نظایری این چینی نیز در میان مخاطبان خاص و عام عراقی جذابیت و مشروعیت خاص خود را خواهد داشت.

چارچوب نظری

مفهوم قدرت نرم را اولین بار «جوزف نای» در سال ۱۹۹۱ میلادی در کتابی تحت عنوان «تغییر ماهیت قدرت آمریکایی» مطرح ساخت. وی مفهوم قدرت نرم را در کتابی با عنوان «قدرت نرم: ابزار موفقیت در سیاست جهانی» بسط و گسترش داد. «نای» قدرت را به دو نوع سخت و نرم تقسیم می‌کند «اقتناع مبنای قدرت نرم» و «تهدید و اجبار مبنای قدرت سخت» می‌باشد. بر اساس این مفهوم، منابع قدرت در قرن بیست و یکم تنها محدود به قدرت سخت‌افزاری از جمله قدرت نظامی (تهدید و به کارگیری نیروی نظامی) و قدرت اقتصادی (مجازات‌ها، تحریم‌ها و کنترل‌های اقتصادی) نمی‌شود. از این رو، دولت‌ها باید از جذابیت‌های مادی و معنوی خود به منظور افزایش مشروعیت اقدامات خود و در نتیجه افزایش نفوذ و قدرت خود در محیط بین‌الملل استفاده کنند. «جوزف نای» در کتاب خود تحت عنوان «قدرت نرم؛ ابزار موفقیت در سیاست جهانی» به این موضوع اشاره می‌کند که قدرت نرم یک کشور در مقابل قدرت سخت آن قرار می‌گیرد و بر خلاف قدرت سخت که بر اجبار و زور متکی است، قدرت نرم بر

اقتناع تأکید دارد و در صدد جذب دیگران از طریق ایجاد مجموع جذابیت‌هاست. در واقع، قدرت نرم مجموع جذابیت‌های یک کشور در نگاه دیگران است. «نای» به این موضوع اشاره می‌کند که اگر بتوان کاری کرد که دیگران آنچه را که ما می‌خواهیم بخواهند، دیگر نیازی به استفاده از قدرت نظامی و قدرت اقتصادی نداریم و این موضوع باعث کاهش هزینه‌ها در پیگیری اهداف سیاست خارجی خواهد شد. به اعتقاد «نای» قدرت نرم به واسطه ارزش‌ها، فرهنگ و سیاست خارجی یک کشور ایجاد می‌شود. در این جا ذکر این نکته حائز اهمیت است که با بررسی مفهوم و منابع قدرت نرم از منظر «نای» مشخص می‌شود که در اندیشه سکولاریستی نای و سایر اندیشمندان غربی این حوزه، دسته‌بندی و تشخیص منابع قدرت-نرم با شرایط و محیط فرهنگی اعتقادی شرق مخصوصاً جوامع مذهبی و دین‌باور خاورمیانه همخوانی ندارند. به همین دلیل محققین در دسته‌بندی منابع قدرت نرم ج.ا.ایران در عراق مطابق نظر «نای» دچار هم‌پوشانی بسیار نزدیک و در بسیاری مواقع دچار سردگمی خواهد شد. زیرا فرهنگ و ارزش‌ها به عنوان دو منبع از منابع قدرت نرم مد نظر نای در جوامع شرقی ریشه و وجود اشتراک بسیاری با هم دارند و مانند نظر و روش کار نای قابل دسته‌بندی به دو حوزه مجزا نیستند و اینگونه تقسیم‌بندی از منابع قدرت نرم، تصویری کامل از منابع قدرت نرم ج.ا.ایران ارائه نمی‌دهد. از سویی، عناصر تولید شده در قدرت نرم اسلامی بسیار زیاد است و علاوه بر منابع مادی قدرت نرم - که در دو گفتمان وجود دارد- گفتمان اسلامی دارای منابعی منحصر به فرد معنوی نیز هست. (Nye, 2011: 34) به منظور رفع این خلاء، این پژوهش در تشخیص، بررسی و دسته‌بندی منابع قدرت نرم ج.ا.ایران در عراق صرفاً به دسته‌بندی مرسوم منابع قدرت نرم از منظر «نای» اکتفا نکرده است و منابع قدرت نرم ج.ا.ایران در عراق را در قالب سه دسته منابع کلی به منابع عقیدتی-ارزشی، منابع فرهنگی-اجتماعی و همچنین منابع سیاسی تقسیم‌بندی و تجزیه و تحلیل کرده است و و راهکارهای عملیاتی سازی هر یک از این منابع را متناسب با همان منبع و در دو روش کلی سیاست خارجی و همچنین دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در عراق شرح داده است.

ویژگی‌های قدرت

همانطور که دستیابی به تعریف یکسان از مفهوم قدرت بسیار دشوار است برشمردن صفات و ویژگی‌هایی از قدرت که تمامی یا حداقل اکثریت متفکران و دانشمندان علوم اجتماعی راجع به آن اتفاق نظر داشته باشند نیز بسیار مشکل است. اما با اینحال با مقایسه آراء و نظریات دانشمندان حوزه روابط بین الملل می‌توان ویژگی‌ها و صفاتی تقریباً مشابه از قدرت را مشخص ساخت. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. «قدرت مبتنی بر روابط است»: قدرت همیشه به روابط میان انسان‌ها مربوط است، به عبارتی قدرت رابطه میان فردی یا رابطه‌ای است میان افراد. بنابراین قدرت یک دولت وقتی عینیت می‌یابد که بر روابط مستقر با دیگر افراد یا دیگر دولت‌ها تأثیرگذار باشد.

۲. قدرت نسبی و وابسته به موقعیت است: «قدرت مطلق نیست، میزان قدرتمندی یا ضعفی که دولت در قیاس با سایر بازیگران مشخص می‌شود.

۳. قدرت دارای دو بعد عینی و روانی است: منظور قدرت واقعی (عینی) و قدرت بالقوه (بعد روانی و ذهنی) قدرت است. قدرت واقعی یک دولت قدرتی است که در نتیجه توان اقتصادی، نیروی نظامی، کیفیت سلاح‌ها و یا دیپلماسی قوی آن دولت به وجود می‌آید و "به عینه در زندگی و مسائل جهان سیاست قابل تشخیص و مشاهده است". اما منظور از قدرت بالقوه یا بعد روانی یا ذهنی قدرت، "تصور و برداشتی" است که در نتیجه منابعی چون توان اقتصادی، نیروی نظامی و یا قدرت دیپلماتیک یک دولت، در سایر بازیگران به وجود می‌آید.

۴. «قدرت با ضمانت اجرا مفهوم می‌یابد»: قدرت جهت تحقق و عینیت‌یابی نیاز به یک سلسله ضمانت‌های اجرایی پیش‌بینی شده دارد. در واقع بدون ضمانت اجرا، اصولاً مفهومی به معنای قدرت متولد نخواهد شد. در طول تاریخ روابط بین‌الملل ضمانت‌های اجرایی که جهت هویت‌بخشی به مبانی قدرت در نظر گرفته شده‌اند عموماً به شکل تهدیدات، مجازات‌ها و یا محرومیت‌ها نمود یافته‌اند (عالم، ۱۳۸۲: ۹۲-۹۱).

۵. «دو قطبی بودن قدرت»: به معنای اینکه در روابط بین‌الملل غالباً تأکید بر "قدرت منفی" است و آن عبارت است از قابلیت و توانایی ملتی در بازداشتن یک کشور و یا کشورهای دیگر از عملیات و اعمالی که از نظر آن کشور نامطلوب محسوب می‌شوند.
۶. «غیر قابل اندازه‌گیری بودن قدرت»: به این دلیل است که عوامل غیرمادی از جمله کیفیت سازمان سیاسی، روحیه مردم و همچنین اوضاع و احوال بین‌المللی که به هنگام اعمال قدرت ممکن است وجود داشته باشند و یا ظهور نمایند غیر قابل اندازه‌گیری و پیش‌بینی است (خدادادی، ۱۳۸۲: ۶۶-۶۲).
۷. «مذموم بودن قدرت»: به معنای دوری جستن از سیاست قدرت و نشأت گرفته از اندیشه‌های اروپایی قرن نوزده ماست. این اندیشه خواهان محدود کردن قدرت در سطح بین‌المللی از طریق برپایی دموکراسی، عدالت اجتماعی و به کارگیری نهادها و سازمان‌هایی بین‌المللی است. (عامری، ۱۳۷۱: ۲۵۵)

قدرت در روابط بین‌الملل و هدف از بکارگیری آن

به اعتقاد "راسل"، "همانگونه که در علم فیزیک مفهوم اساسی انرژی است در علوم اجتماعی مفهوم اساسی قدرت است". قدرت هسته اصلی مباحث سیاسی (اعم از داخلی یا خارجی) را شکل می‌دهد تا جایکه گفته می‌شود: "سیاست تلاشی است برای کسب قدرت". در واقع اهمیت قدرت و نقش آن در روابط بین‌الملل به اندازه‌ای است که عده‌ای مانند: "ولفرز" نقش آنرا به نقش پول در روابط اقتصادی تشبیه نموده‌اند و معتقدند: "قدرت همان کاری را در سیاست بین‌الملل انجام می‌دهد که پول در اقتصاد جهانی برعهده دارد." (سیف زاده، ۱۳۷۹: ۱۷۱) سیاست بین‌الملل نوعی ویژه از سیاست است که در نگاه واقع‌گرایانی مانند مورگنتا همچون سایر عرصه‌های سیاست، مبارزه‌ای است برای کسب و حفظ قدرت (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۴۵) نقش آشکاری که قدرت در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند سبب پیدایش دو مکتب افراطی و متضاد شده است، اولی به عنوان "مکتب قدرت را در

کانون روابط بین‌الملل قرار می‌دهد و برای قدرت "نقش جهانی و همه جایی" قائل است و مکتب دومی سیاست قدرت را محکوم می‌کند و معتقد است می‌توان نهادهای بین‌المللی را جایگزین سیاست قدرت کرد. (فرانکل، ۱۳۷۶: ۴۲) ذکر این نکته ضروری است که تفاوت مهمی در شکل و اعمال قدرت در نظام سیاسی داخلی و نظام سیاسی بین‌المللی وجود دارد. اعمال قدرت سیاسی خصیصه اصلی یک نظام سیاسی از زمان شکل‌گیری مفهوم حاکمیت ملی است. (علی بابایی، ۱۳۷۵: ۱۶۱)

"در صحنه روابط بین‌الملل رفتار کشورها متأثر از برداشت و ادراک آنها از منافع ملی اهدافی است که تعقیب می‌نمایند." (کاظمی، ۱۳۷۲: ۱۱۱) در واقع می‌توان گفت: علت ایجاد روابط دیپلماتیک بین کشورها و همچنین مایه اصلی ناسازگاری دولت‌ها، تحصیل قدرت، حفظ و افزایش قدرت در جهت "حفظ خود" و تأمین "منافع ملی" است. به این دلیل است که در مطالعه روابط بین‌الملل به ناچار مستلزم بررسی و شناخت روابط قدرت در میان کشورها هستیم. یا سیاست قدرت به این معنا است که "همه اهداف روابط بین‌الملل در اطراف قدرت دور می‌زند و کسب و افزایش و نمایش قدرت بالاترین هدف و ارزشی است که کشورها باید در صحنه بین‌المللی تعقیب کنند. در قرن نوزدهم "لیبرال‌ها" این عقیده را ترویج می‌کردند که سیاست قدرت و جنگ طلبی زائیده حکومت‌های استبدادی آریستوکراسی (حکومت طبقه اشراف) است. به اعتقاد لیبرال‌ها "تلاش برای قدرت، یک عارضه موقتی و یک اتفاق تاریخی است". آنها اعتقاد داشتند که با پیروزی دموکراسی و حکومت قانون و حاکمیت طبقات متوسط اجتماع، صلح بین‌المللی مستحکم خواهد شد و سیاست قدرت از بین خواهد رفت. (بهزادی، ۱۳۶۸: ۱۵۶)

تعبیر اندیشمندان از یک سو و سیاستمداران از سوی دیگر از خصوصیات و ماهیت منافع ملی همواره یکسان نیست و به همین دلیل تعریفی که هماهنگ و مورد قبول عام برای این عامل و انگیزه مهم در روابط بین‌الملل باشد، وجود ندارد؛ اما با این حال می‌توان گفت که منافع ملی اهداف اولیه و همیشگی کشورها هستند که با ارزشهای چهارگانه: ۱- امنیت

ملی ۲- رفاه اقتصادی ۳- حفظ و ازدیاد قدرت کشور ۴- پرستیژ ملی در ارتباط مستقیم است. (بهزادی، ۱۳۶۸: ۱۱۱-۹۹)

قدرت ملی و منابع آن

"وقتی به قدرت در قالب اجتماعات سیاسی معاصر یا کشور-ملت هانگریسته شود و قدرت برآیندی از توانایی‌های مادی و معنوی آن ملت محسوب شود، جنبه‌ای ملی پیدا می‌کند." به عبارت بهتر، هرگاه مجموعه انسانهایی که تشکیل ملتی را داده‌اند قدرت ملی دارای منشاء و منابع گوناگونی است که در یک کارکرد جمعی به تولید قدرت می‌پردازند. عوامل اصلی شکل‌دهنده به قدرت ملی کشورها در حوزه‌های مختلفی چون؛ اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی، علمی و قرار دارند. این قدرت همانگونه که عنوان شد، تحت تاثیر عوامل مهمی چون جهانی شدن و انقلابات اطلاعاتی-ارتباطی اشکال جدید و متنوع‌تری از مفهوم قدرت، منابع و چگونگی به کارگیری آن در روابط بین‌الملل و سیاست جهانی مطرح شده است. یکی از این اشکال نوین قدرت که در سال‌های آخرین قرن بیستم به لزوم طرح و ضرورت به کارگیری آن پی برده شده است، «قدرت نرم» می‌باشد که با اشکال نظامی و اقتصادی آن، که به طور سنتی مورد توجه دانشوران و سیاستمداران بوده است، تفاوت‌های ماهوی دارد. (امام زاده فرد، ۱۳۸۹: ۱۴۴)

پیشینه تاریخی قدرت نرم با مطالعه تاریخ روابط انسانی و بررسی وقایع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در سطح داخلی و بین‌المللی در می‌یابیم که تأمل پیرامون بعد نرم قدرت سیاسی ریشه‌ای عمیق در تاریخ دارد و «ایده جذابیت در دست‌یابی به قدرت» قرن‌ها قبل از تبیین تئوریک آن وجود داشته است و به کارگرفته می‌شده است. در این رابطه می‌توان از چینی‌ها، یونانیان، و ایرانی‌ها به عنوان مطرح‌کنندگان اولیه آن نام برد، پس واضح است که که قدرت نرم و به کارگیری آن موضوعی جدید در دنیای سیاست و واقعیت نیست. به عنوان نمونه؛ در چین یکی از قدیمی‌ترین شواهد درباره وجود مفهوم قدرت نرم به

"لائوتسه" فیلسوف چینی هم عصر کنفوسیوس (۵۵۱-۴۷۹ ق.م) باز می‌گردد. بن‌مایه طرح قدرت نرم در قرن بیستم "مبنا و بن‌مایه گفتمان قدرت نرم را اطلاعاتی شدن جامعه یا ورود جامعه جدید به عصراطلاعات تشکیل می‌دهد. عصراطلاعات که از ربع آخر قرن بیستم آغاز شده است دوره‌ای است که دسترسی به اطلاعات از راه عمومی و به کارگیری فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی تسهیل شده است. (پورسعید، ۱۳۸۹: ۳۴)

منابع قدرت نرم

قدرت نرم به اعتقاد «نای» به منظور ایجاد و تحقق قدرت نرم سه منبع اصلی وجود دارد که عبارتند از: ۱. فرهنگ ۲. ایده‌ها (شامل: هنجارها، ارزش‌ها و باورها) و نهایتاً ۳. سیاست خارجی (شامل: دیپلماسی رسمی و عمومی) هریک از این سه منبع اصلی قدرت نرم با لحاظ شروط مهمی قابل تحقق به قدرت واقعی و کاربردی شدن هستند. در واقع اثر بخشی هر یک از منابع ذکر شده به شرایط موجود و چگونگی اجرای آن بستگی دارد. در باب فرهنگ یک کشور «نای» معتقد است که اولاً؛ همه بخش‌های یک فرهنگ ملی قابل تبدیل به قدرت نرم نمی‌باشد؛ بلکه آن بخش‌هایی از فرهنگ که برای دیگران دارای جذابیت است از منابع قدرت نرم محسوب می‌شود. دوم اینکه، فرهنگ‌های محلی و ناحیه‌ای کمتر قابل تبدیل شدن به قدرت نرم هستند. ایده‌آل‌های یک کشور منبعی از منابع قدرت نرم هستند به شرطی که در داخل و خارج کشور مورد توجه و همچنین مشروع باشند و نهایتاً این که سیاست خارجی یک کشور در صورتی مولد قدرت نرم است که از منظر و دیدگاه دیگران قانونی و مسئولانه به نظر برسند. سیاست‌هایی که متکبرانه باشند و یا با بی‌توجهی نسبت به آراء و نظرات دیگران اتخاذ شوند و یا اینکه پیرو یک روش تنگ‌نظرانه و یا مزورانه باشند، نه تنها ایجاد قدرت نرم نمی‌کنند بلکه در کاهش قدرت نرم نیز موثر خواهند بود. (Nye, 2011: 84)

در کنار منابع اصلی قدرت نرم از جمله فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی، نهادسازی و ایجاد مؤسسات فراگیر بین‌المللی نیز به عنوان منبعی از قدرت نرم، در ایجاد و افزایش قدرت نرم افزاری یک کشور و یا یک بازیگر بین‌المللی بسیار تأثیرگذار خواهند بود. هنگامی که یک کشور بتواند با ایجاد نهاد و مؤسسات بین‌المللی، قواعد بین‌المللی را به گونه‌ای متناسب با منافعش شکل دهد، به صورت طبیعی سیاست‌های اجرایش - به دلیل انطباق با قواعد بین‌المللی مذکور - از مشروعیت بیشتری نزد دیگران برخوردار خواهد بود. در نتیجه، کشور و یا بازیگری که بتواند از سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی برای ترغیب دیگر بازیگران جهت تحدید رفتارها و یا اصلاح سیاست‌هایشان در راستای اهداف مورد نظرش بهره‌گیرد، به طور طبیعی با صرف هزینه کمتری به میزان بیشتری از اهدافش نائل خواهد شد. (نای، ۱۳۸۹: ۵۱)

منابع قدرت بسیاری برخوردارند، اما با آن وجود نمی‌توانند نتایجی را که می‌خواهند به دست آورند. علت آن است که نتوانسته یا نخواسته‌اند آن منابع را به رفتار تبدیل کنند. (Morgenthau, 1973: 118) این موضوع در مورد قدرت نرم بسیار با اهمیت‌تر است، در واقع برای درک کامل قدرت نرم باید بین منابع قدرت نرم و قدرت بالفعل حاصل آن، تمایز جدی قائل شد. آنچه منابع قدرت را به قدرت بالفعل تبدیل می‌کند بستگی به زمینه و مهارت طرف دارد. در تفسیر قدرت نرم اشتباه گرفتن منابع قدرت از قدرت بالفعل سبب اشتباه در محاسبات خواهد شد. باید دقت داشت که در قدرت نرم، صرف داشتن منابع قدرت، تولید قدرت نمی‌کند، چه بسا کشورهایی که دارای منابع متعدد اعمال قدرت نرم هستند؛ اما نتوانسته‌اند آنها را عملی سازند، زیرا کسب نتایج مطلوب برآیند نوع ارتباط و تعامل بین کارگزار و موضوع است. در واقع، تحقق و تأثیرگذاری قدرت نرم بستگی به پذیرش و باورمندی مخاطب آن دارد (Nye, 2011: 217-218)

قدرت نرم ج.ا.ایران در عراق

قدرت نرم ج.ا.ایران در عراق را به سه دسته منابع عقیدتی-ارزشی، منابع فرهنگی-اجتماعی و در نهایت منابع سیاسی تقسیم‌بندی نموده‌ایم. دلیل این موضوع عدم مرزبندی مشخص منابع قدرت نرم ایران در یک محدوده خاص است. به عنوان نمونه؛ منابع قدرت نرم فرهنگی ج.ا.ایران این قابلیت را دارد که در منابع ارزشی و یا منابع سیاسی در منابع فرهنگی-اجتماعی و بالعکس جای گیرند، به نحوی که یک منبع به چندین طریق و از جنبه‌های گوناگون قابل دسته‌بندی است. به عنوان نمونه؛ در حالیکه روحانیت و مرجعیت در دسته بندی منابع این نوشتار جزئی از منابع فرهنگی-اجتماعی محسوب شده است؛ اما نمی‌توان از تاثیرات و کارکردهای سیاسی این نهاد مهم و تعیین کننده چشم پوشید. طبق مطالب پیشتر بیان شده، در ادامه به تقسیم‌بندی سه گانه منابع عقیدتی-ارزشی، فرهنگی-اجتماعی و نهایتاً منابع سیاسی قدرت نرم ج.ا.ایران خواهیم پرداخت. از جمله منابع قدرت نرم ج.ا.ایران در بعد عقیدتی-ارزشی می‌توان به: ۱. دین اسلام ۲. مذهب مشترک تشیع ۳. تشیع انقلابی و پویا ۴. کرامت انسانی ۵. تحقق بیداری اسلامی ۶. پی‌ریزی ایده و آرمانی نو جهت تغییر در نظم موجود جهانی و نهایتاً ۷. مبارزه بذا استعمار و استکبار جهانی و حمایت از مردم فلسطین اشاره داشت. منابع قدرت نرم ج.ا.ایران در بعد فرهنگی-اجتماعی شامل؛ ۱. حس عدالت خواهی شیعی و تلاش جهت گسترش آن ۲. مرجعیت شیعی ۳. شهرهای مقدس مذهبی عراق از جمله عتبات عالیات و در نهایت منابع قدرت نرم ج.ا.ایران در بعد سیاسی از جمله؛ ۱. سیاست خارجی ج.ا.ایران در عراق ۲. وجود احزاب و گروه‌های عراقی طرفدار ج.ا.ایران ۳. نخبگان سیاسی شیعی عراقی و نهایتاً ۴. مساله قومیت‌ها(قوم کرد عراقی) اشاره داشت.

دلایل ج.ا.ایران در به کارگیری قدرت نرم و ضرورت عملیاتی سازی این منابع کاربرد قدرت نرم در مقایسه با کاربردی نمودن قدرت نظامی و اقتصادی دشوارتر است؛ زیرا در وهله آخر اثرگذاری قدرت نرم تا حدود زیادی بستگی به قبول مخاطبان خواهد داشت.

علاوه بر این، قدرت نرم صورت کاربردی شدن، با شکل دادن به محیط برای سیاست، غالباً به نحو غیرمستقیم عمل کرده و برخی مواقع سال‌ها طول خواهد کشید تا نتایج مطلوب را به بار آورد. (نای، ۱۳۸۳: ۱). با این حال به دو دلیل بسیار مهم این دشواری‌ها نباید سبب شود ج.ا.ایران از منابع قدرت نرم خود در عراق و همچنین کاربردی ساختن آنها در این کشور غفلت نماید و یا آنها کم‌اهمیت تلقی کند. ابتدا الزامات جدید جهانی در موضوع شکل‌گیری ابعاد جدیدتری از قدرت است که ج.ا.ایران را به سمت به‌کارگیری قدرت نرم سوق خواهد داد. این الزامات از آنجایی نشأت می‌گیرد که منابع قدرت هیچگاه حالت ایستا نداشته‌اند و در هر عصری متناسب با شرایط همان عصر برخی از منابع قدرت به نسبت سایر منابع از اهمیت و کارکرد بیشتر و موثرتری برخوردار شده‌اند. پس می‌توان گفت که ماهیت و منابع قدرت در این عصر متناسب با شرایط و الزامات همین عصر در حال دگرگونی است. در حقیقت، قدرت نرم به عنوان شکل جدید از قدرت در عصر اطلاعات و متناسب با این عصر و تغییرات ذکر شده، کارکرد وجودی خواهد داشت. از آنجاییکه قدرت نرم بر روی «جاذبه و اقناع» تاکید دارد نادیده و کم‌اهمیت دانستن این بعد قدرت در این عصر به معنای از دست دادن بخش عمده‌ای از قدرت محسوب خواهد شد (Nye, 2011: 233-248).

این دگرگونی‌ها ج.ا.ایران را ملزم می‌نماید تا نسبت به آنها توجه نمایند و علاوه بر فراهم‌آوری شرایط منطبق‌سازی خود با این تغییرات، شرایط بهره‌گیری از آنها را در عراق نیز میسر نمایند. علاوه بر موارد بالا، اهداف و منافع‌هایی که به کارگیری قدرت نرم در عراق عاید ج.ا.ایران خواهد نمود مشوق بهره‌گیری از آن است.

منابع شناخته شده قدرت نرم ج.ا.ایران عمدتاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی بنا نهاده شده‌اند. این منابع به طور عمده از دین اسلام سرچشمه گرفته‌اند (Mohamadi, 2011: 2118). به نحوی که می‌توان مدعی شد که اصلی‌ترین منبع قدرت نرم ایران، "منابع معنوی" با تکیه بر اسلام و ایدئولوژی انقلابی‌اش است (Dehshiri and majidi, 2011).

(2118-2119) با بررسی ارزش‌ها، فرهنگ و سیاست‌های ج.ا.ایران مشخص می‌شود که این موارد در تحلیل نهایی خود ریشه در اسلام شیعی و انقلابی ایران دارند. (قهرمان پور، ۱۳۸۹:۱۶۱) البته منظور از دین اسلام به عنوان قدرت نرم ج.ا.ایران، تعبیر اسلام «ناب محمدی(ص)» می‌باشد که به منظور جذب و اقناع شهروندان عراقی اعم از دیندار و غیردیندار، اساساً محبت و مهربانی را در محوریت و دستورکار خود قرار می‌دهد. تحقق و عملیاتی نمودن مفاهیم و محورهای اصلی دین اسلام مخصوصاً تعبیر اسلام ناب محمدی(ص) در عراق همانند؛ توحیدگرایی، وحدت‌گرایی، معادباوری، تأکید بر برادری دینی، تبلیغ عزت اسلامی و ایجاد خودآگاهی دینی در میان مسلمانان عراقی سبب خواهد شد که ارتباطاتی مستحکم و دوستانه، بذر پایه عوامل فرامادی همچون: اعتقادات دینی مشترک و اعتماد متقابل دینی در برداشت و رفتارهای میان دو ملت ایجاد گردد. در نتیجه دو ملت ضمن اهمیت قائل شدن به گسترش روابط فی مابین خود، خواهان تعمیق بخشی هرچه بیشتر این روابط در تمامی سطوح خواهند شد. ب. مذهب مشترک تشیع و اشاعه نگرش تشیع انقلابی. مذهب مشترک مذهب مشترک نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای در نوع و ماهیت مراودات روابط میان دولت‌ها و ملت‌ها از جمله ج.ا.ایران و کشور عراق داراست. این مهم سبب شده که دو ملت ایران و عراق با دارا بودن اکثریت تشیع، خود را در قالب صرف دو ملت مجزا نگاه نکنند بلکه هویت خود را هویتی مشترک و در قالب حوزه گسترده مذهب مشترک تشیع تعریف نمایند. در واقع، هر گونه تحلیل و مشخص نمودن منابع قدرت نرم ج.ا.ایران در عراق بدون توجه به نقش مذهب مشترک تشیع ناتمام خواهد بود. (جردن و روانتری، ۱۳۸۱:۱۷۱). بلکه در مورد ج.ا.ایران اهمیت این مهم دو چندان است زیرا انقلاب اسلامی ایران و نظام ج.ا.ایران نخستین انقلاب و نظامی محسوب می‌شود که آشکارا شریعت و تعالیم اسلامی را به عنوان قانون اساسی خود برگزیده است. (شریعتی، ۱۳۸۸:۵۷)

تشیع انقلابی و پویا در باب اشاعه نگرش تشیع انقلابی در عراق به عنوان یکی از منابع قدرت نرم ج.ا.ایران لازم به ذکر است که مهمترین تحول گفتمان شیعه در طول قرن بیستم تحول از سیاست گریزی و تمایل به ضرورت دخالت در مسائل سیاسی با هدف تشکیل حکومت ناحیه ای و جهانی دینی بوده است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران نمونه ملموس، عینی و ابتدایی را برای این الگوسازی در جهان اسلام و تشیع مطرح ساخت. کشور عراق و شیعیان این کشور جزو اولین گروه شیعیان جهان محسوب می شوند که نخستین حرکات و جنبش‌های از این دست را به راه انداختند. در واقعیت، شکل‌گیری و گسترش اندیشه و نگرش تشیع انقلابی در عراق سبب شد جمعیت شیعه عراق که روزگار متمادی به عنادوان گروه اکثریت مذهبی، مسلمانان فراموش شده محسوب می‌شدند در تحولات و معادلات سیاسی و بین‌المللی عراق حائز نقش مهم و تاثیرگذاری محسوب شوند. (برزگر، ۱۳۸۶: ۶۱)

از آنجا که محتوا و ساختار نظام ج.ا.ایران نمونه موفق و کارآمد تحقق و موفقیت اندیشه تشیع انقلابی در تشکیل حکومت اسلامی است، بالفعل سازی این منبع از قدرت نرم ج.ا.ایران در عراق از طریق ترغیب و تشویق شیعیان عراقی به اتخاذ و به کارگیری اندیشه لزوم حضور و زعامت فقیه در کانون قدرت سیاسی دین محور و همچنین الگوسازی ساختار و محتوای نظام ج.ا.ایران از جمله؛ مردم سالاری دینی در میان شیعیان عراقی ممکن است. (مریچی، ۱۳۸۷: ۸۵)

ج. اصول و آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران؛ مردم سالاری دینی تحت تاثیر آموزه‌های اسلامی-شیعی و همچنین اندیشه‌های بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، نوعی به خصوص و منحصر به فرد از اندیشه و راهکارهای تحقق دموکراسی در ایران با نام «مردم سالاری دینی» شکل گرفته است. مردم سالاری دینی ریشه در شکل حکومت جمهوری اسلامی ایران دارد و مولفه‌های آن بر دو پایه بنا گذاشته شده است، یکی جمهوریت و دیگری اسلامیت. یعنی شکل حکومت، ساختار سیاسی و نحوه آرایش نهادهای آن، «جمهوری» است اما

محتوای آن «اسلامی» است. مهمترین اقدام انقلاب اسلامی ترکیب جمهوریت با اسلام است. (عیوضی، ۱۳۸۹: ۲۹۲).

بر اساس اندیشه‌های بنیانگذار و رهبر جمهوری اسلامی ایران هدف و مقصد نهایی اسلام و تحت تأثیر آن انقلاب اسلامی، «تعالی و تکامل انسان» می‌باشد و چنین مقصدی جز در سایه خودفرمانی و خویش گردانی انسان همراه با اراده و اختیار و مشارکت عملی سیاسی محقق نخواهد شد. (همایون مصباح، ۱۳۸۳: ۹۵) این مهم تنها در بستر و مجرای تحقق و اجرای دموکراسی دینی در ایران و سایر کشورهای مسلمان به وجود خواهد آمد. لذا رهبران انقلاب همواره به عملیاتی کردن آن در جامعه به بهترین نحو تاکید کرده‌اند و تمام تلاش و تاکید آنان بر این بوده است که انقلاب اسلامی ایران نمونه و الگوی جدیدی از دموکراسی را به جهان ارائه دهد که در آن «خدا» و «انسان» هر دو، همزمان محور و مبنا قرار گیرند. امروزه اهمیت عملکرد مطلوب اندیشه مردم سالاری دینی در ج.ا.ایران و جایگاه اشاعه صحیح آن در عراق از آنروست که این کشور از منظر غرب به ویژه آمریکا، گام نخست تغییرات اساسی در خاورمیانه بر محور تحقق الگوی دموکراسی غربی است. به همین دلیل اشاعه اندیشه مردم سالاری دینی در عراق ضمن ایجاد «جاذبه و نفوذ» در میان عموم مردمان عراقی به دلیل ارائه راهکارهایی مخصوص و متمایز در تحقق دموکراسی آنهم از نوع دینی متناسب با نیازها و باورهای آنان-امکان رقابت با نمونه پیشنهادی و مطروحه دموکراسی مدنظر غرب را نیز خواهد داشت. (ایروانی، ۱۳۸۸: ۱۶۳) اولین راهکار و مهمترین شرط تحقق این بعد از قدرت نرم ج.ا.ایران در عراق به اعتقاد «مقام معظم رهبری» منوط به پیاده سازی و اجرای موفق آن در کشور ایران باز می‌گردد. (قهرمان پور، ۱۳۸۹: ۱۴۸)

پس از آن است که این بعد از قدرت نرم ج.ا.ایران از طریق تبلیغ، حمایت و پافشاری ج.ا.ایران بر نقش عموم مردم عراق و رای قومیت و یا مذهب آنان در تصمیم گیری های مربوط به سرنوشت خود در سطوح گوناگون، ترویج کارآمدی اندیشه مشروعیت الهی و

مقبولیت مردمی در اداره امور سیاسی، به تصویر کشاندن ارتباط میان مردم-سالاری دینی و توسعه یابی فرهنگ تعامل مداری در سطح نخبگان و عموم مردم، تاکید بر ارتباط میان اجرای دموکراسی دینی و اجرای عدالت اجتماعی و همچنین همسو بودن اجرا و انتخاب مردم سالاری دینی با فطرت انسانی-الهی بشری (از جمله مردم عراق) تحقق خواهد یافت. کرامت انسانی "کرامت در لغت دارای معانی مختلفی است که مهمترین آنها عبارت است از: ارزش-حرمت-حیثیت-بزرگواری-عزت-شرافت و انسانیت." (حیب زاده و رحیمی نژاد، ۱۳۸۶: ۵۴).

اهمیت این مهم تا جایی است که بر اساس سند چشم انداز بیست ساله ج.ا. کشور ایران در سال ۱۴۱۴ ه.ش باید به عنوان کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، «الهام بخش»، فعال و موثر در جهان اسلام و روابط بین الملل باشد. طبق این سند ج.ا. ایران باید در منطقه نقش هدایتگری نیز داشته باشد. در حقیقت، با توجه به اینکه ج.ا. ایران برای خود یک رسالت منطقه ای و جهانی در نظر دارد و تامین منافع ملی خود را در ارتباط دوسویه با تحقق رسالت خود میداند بخش عمده و تعیین کننده‌ای از این الهام بخشی می‌تواند توسط تحقق قدرت نرم و به کارگیری دیپلماسی عمومی ایران در عراق پس از صدام فراهم گردد. علاوه بر این، به کارگیری دیپلماسی عمومی در راستای تحقق منابع قدرت نرم ج.ا. ایران در صحنه داخلی عراق دارای مزایای مهم و برجسته‌ای است که دولت مردان نظام را در به کارگیری آن تشویق خواهد نمود. این مزایا عبارتند از:

۱. به کارگیری قدرت نرم در قالب دیپلماسی عمومی در عراق در قیاس با دیپلماسی و تبلیغات رسمی دولتی در عراق، با مقاومت کمتری در میان عموم مردمان عراق مواجه می‌شود. در حقیقت دیپلماسی عمومی ضمیر ناخودآگاه مخاطبان عراقی را هدف قرار می‌دهد و در بلندمدت از طریق تکرار، تبدیل به باور و خواست عمومی و جمعی آنان خواهد شد.
۲. مهم ترین ویژگی دیپلماسی عمومی از این منظر عدم انتشار مفهوم سلطه در اذهان مخاطبان عراقی است.
۳. دیپلماسی عمومی فضای مثبتی جهت حضور جدی و موثرتر

بخش‌های غیردولتی و نهادهای مدنی ج.ا.ایران ایجاد خواهد نمود. ۴. دیپلماسی عمومی به دلیل خلاقانه تر بودن و انعطاف پذیرتر بودن قادر است مضامین متنوع و متعددتری از ارزش‌ها و پیام‌های ج.ا.ایران را به صحنه داخلی عراق پس از صدام منتقل نماید. (حسن-خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۸) با این اوصاف، دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در عراق باید قادر باشد از طرفی، تصویرپردازی و ایماژسازی واقعی و مثبت از کشور و ملت ایران داشته باشد به گونه‌ای که تصورات کلیشه‌ای و نادرست و تلقینات مخدوش را اصلاح نماید.

کشورها از جمله ج.ا.ایران «مدیریت و مهندسی فضای فرهنگی عراق» از طریق به کارگیری منابع فرهنگی ایران و انتقال موثر این منابع در کشور عراق است. دو مشخصه مهم و بسیار حیاتی در مورد به کارگیری دیپلماسی فرهنگی آن است که دیپلماسی فرهنگی به نحوی مورد استفاده قرار گیرد که ارزش‌های مد نظر ج.ا.ایران را به طور کامل انتقال دهد و همچنین مورد مقاومت مردمان عراق قرار نگیرد. (نیک آئین، ۱۳۸۸: ۳۹۱). در مورد اخیر باید یادآور شد به دلیل وجود زمینه‌های مشترک فرهنگی و مخصوصاً مذهبی میان مردم ایران و عراق دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران نه تنها با کمترین مقاومت مردمان این کشور مواجه خواهد شد؛ بلکه این توانایی را نیز دارد تا به شایسته‌ترین نحو ممکن پیام‌ها و ارزش‌های مطلوب ج.ا.ایران را اشاعه دهد و بر اثر ایجاد تماس‌های مستمر، هدفمند و متقابل فرهنگی، زمینه و بسترهای لازم را جهت تاثیرپذیری فرهنگی عراق از فرهنگ ایران را هموار سازد. در این میان دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران در عراق از کانال‌ها و مجاری مختلف و متنوعی همچون؛ «تاسیس مراکز ایرانشناسی در عراق، آموزش و ترویج زبان فارسی، برگزاری جشنواره‌ها و گردهمایی‌های فرهنگی بده منظور ترویج و معرفی مفاخر ایرانی-اسلامی و آشناسازی هر چه بیشتر شخصیت‌های علمی-فرهنگی دو کشور با یکدیگر، تاسیس موسسات و نهادهای مشترک جهت ترویج فرهنگ ایرانی، تشکیل انجمن‌های دوستی فرهنگی و برگزاری هفته‌های فرهنگی، ارائه کمک‌ها و تسهیلات علمی-آموزشی به عراق، انتشار کتب، نشریات و سایر تولیدات فرهنگی و مهمتر از همه

تبادلات فرهنگی-آموزشی» نمود می یابد و قابل اجراست. در این روش از طریق برنامه های نظیر؛ «تبادل اساتید دانشگاهی و دانشجویان، آموزش زبان، ایجاد موسسات آموزشی و فرهنگی در کشورهای هدف، ارائه کمک ها، مشوق ها و تسهیلات مالی به دانشجویان کشور هدف در کشور میزبان تلاش می شود تا ضمن ایجاد تصویری مثبت از کشور مورد نظر، نوعی نزدیکی و قرابت فکری- اعتقادی بین دانشجویان و اساتید کشور مورد نظر با سیاست ها، آرمان ها و اهداف کشور میزبان ایجاد شود. در این رابطه، حضور دانشجویان، اساتید و نخبگان عراقی در ج.ا.ایران سبب آشنایی مستقیم و بیواسطه آنها با محیط و فضای فرهنگی- اعتقادی ج.ا.ایران و در نتیجه موجب اصلاح تصاویر غیرواقعی القاشده از فرهنگ ایرانی-اسلامی و نظام سیاسی- عقیدتی ج.ا.ایران می گردد. با در نظر گرفتن این مهم که این دانشجویان پس از اتمام تحصیلات خود در ایران به عنوان افرادی تحصیل کرده در مناصب و پست های مهم سیاسی، اقتصادی، علمی و غیره کشور عراق مشغول به کار خواهند شد. ج.ا.ایران در عراق حامی و پشتیبان اهداف و خواست های ج.ا.ایران نیز خواهند بود. مهمترین و در عین حال برجسته ترین مثال از کارایی و تاثیرگذاری این قبیل برنامه ها را در دهه های جنگ سرد و در قالب تبادلات علمی و دانشگاهی اعمال شده آمریکا علیه شوروی می توان یافت. در واقع؛ تبادلات دانشگاهی برای اتحاد شوروی همانند «اسب تروا» عمل کرد و نقش بزرگی را در فرسایش سیستم سیاسی و اعتقادی این کشور ایفا نمود. (نای، ۱۳۸۹: ۱۱۴). از همین رو، ج.ا.ایران باید این گونه تبادلات را به عنوان یک سرمایه گذاری بلندمدت - که شکوفایی و جواب دهی آنها زمانبر است و نیاز به صبر و بردباری دارد. تغییر و اصلاح دیدگاه دانشجویان، نخبگان و اساتید عراقی از فضای واقعی فرهنگی و سیاسی موجود در ایران از آنجا بیش از پیش حائز اهمیت است که در نظر داشته باشیم- در زمان حاکمیت حزب بعث- از همان دوران آموزش های ابتدایی دانش آموزان عراقی چهره ای مخدوش، غیرواقعی و تحریف شده از فرهنگ و نظام سیاسی- اعتقادی ایرانیان به آنها ارائه می شده است.

نتیجه گیری

الزام ج.ا.ایران در به کارگیری قدرت نرم، به تأثیرات و منافع است که به کارگیری قدرت نرم برای ج.ا.ایران به همراه خواهد داشت. این موارد عبارتند از؛ مشروعیت، اعتبار اخلاقی و همچنین هزینه‌های کمتر و عدم لزوم به کارگیری تهدید و تطمیع در مسیر تحقق اهداف و منافع ملی در باب لزوم عملیاتی سازی منابع قدرت نرم در عراق باید متذکر بود، "از آنجایی که داشتن صرف منابع قدرت به معنای اثبات و عینیت‌یابی قدرت نیست، تبدیل منابع قدرت به قدرت تحقق یافته به منظور به دست آوردن نتایج دلخواه، نیازمند طراحی خوب راهبردی و رهبری با مهارت است." از این رو داشتن صرف منابع قدرت نرم در عراق تضمین نمی‌کند که ج.ا.ایران نتایج مورد نظرش را در این کشور بدست آورد. زیرا منابع، صرفاً اسباب اولیه و لازم در جهت عمل را فراهم می‌نمایند. بخش مهم‌تر و البته کاربردی، میل و توان انجام عمل است. پس منظور از تحقق و عملیاتی‌سازی منابع قدرت نرم ج.ا.ایران در عراق به کارگیری صحیح منابع، مدیریت و همچنین برنامه‌ریزی‌های مدون و زمان‌بندی شده به منظور بالفعل سازی منابع بالقوه قدرت نرم در جهت تامین منافع ملی و کسب نتایج مورد نظر می‌باشد. ج.ا.ایران هنگامی قادر خواهد بود از منابع قدرت نرم خود در عراق بهره‌برداری نماید که این منابع را در قالب راهبردهایی مشخص، مدون و تفکیک شده ارائه نماید.

دیپلماسی رسانه ای به معنای استفاده کردن دیپلماتیک از رسانه ها و تلاش به منظور دست یابی به اهداف و مقاصد دیپلماتیک از طریق همان رسانه ها اطلاق میشود. در واقع، دیپلماسی رسانه ای کاربری رسانه ها به منظور ایجاد و پیشبرد فعالیت‌های منطقه‌ای، بین المللی و سیاست خارجی توصیف می‌شود. به اعتقاد "نای" رسانه های جمعی یک کشور هنگامی که مورد علاقه و اعتماد مخاطبان خارجی باشند نقش مهم و تعیین کننده ای در عملیاتی نمودن قدرت نرم یک کشور خواهند داشت. مجموع این رسانه‌ها که در دیپلماسی عمومی از جمله دیپلماسی رسانه‌ای ج.ا.ایران به کار گرفته می‌شود به دو گروه

کلی الف؛ «رسانه‌های چاپی و نوشتاری» از جمله؛ «کتب، روزنامه‌ها و مجلات» و ب؛ «رسانه‌های شنیداری و دیداری» از جمله؛ «تلویزیون، رادیو و اینترنت» می‌شوند. هدف نهایی ج.ا.ایران از به کارگیری مجموع این رسانه‌ها، «ایجاد نوعی اشتراک فکری و تفاهم اندیشه‌ای در مخاطبان عراقی» از طریق اشاعه و انتقال فرهنگ ایرانی-اسلامی و تبدیل ارزش‌ها، باورها و آرمان‌های خود به «اطلاعات عمومی روزمره» قابل دسترس این مخاطبان است. ضرورت داشتن یک دیپلماسی رسانه‌ای موفق در عراق از طرفی به داشتن کانال‌های چندگانه ارتباطی در این کشور- زیرا تاثیرگذاری رسانه‌ها به این بستگی خواهد داشت که میزان بیشتری از مخاطبان پیام ارسالی را دریافت نمایند- و از طرف دیگر به نوع محتوا و نوع کیفیت پیام‌های ارسالی وابسته است. «یکپارچه‌سازی برنامه‌ها و پیام‌های ارسالی» بسیار حائز اهمیت است. منظور از «یکپارچه‌سازی» آن است که مجموع این برنامه‌ها (در قالب تلویزیون، رادیو، سینما، سایت‌ها، آژانس‌های خبری و سایر موارد) بایک یا چند هدف مشخص و در یک چهارچوب و جهت مشخص تعریف، مدیریت و برنامه‌ریزی شوند. از جمله نقش و کارکردی که دیپلماسی رسانه‌ای ج.ا.ایران در عراق به منظور تحقق و بالفعل سازی منابع قدرت نرم می‌تواند اعمال نماید عبارتند از: «ایجاد تعامل صحیح و مناسب میان آرمان‌ها، ارزش‌ها و فرهنگ ایرانی-اسلامی و مخاطبان عراقی به منظور جذب و اقناع آنان، فراهم کردن زمینه‌های پذیرش و باورمندی مخاطبان عراقی نسبت به خواست‌ها و مطلوب‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی ج.ا.ایران، خنثی نمودن تبلیغات و برنامه‌های رسانه‌ای رقبای دشمنان نظام اسلامی ایران، ایجاد بسترهای مناسب روحی-روانی در میان مخاطبان عراقی به منظور تسهیل اجرای برنامه‌های سیاست خارجی ج.ا.ایران و نهایتاً، جلب اعتماد عمومی مخاطبان عراقی پیرامون برنامه‌ها و اهداف ج.ا.ایران در این کشور. امروزه ایجاد اعتبار و کسب اعتماد عمومی در سطح بین‌المللی به واسطه در اختیار داشتن و به کارگیری ابزارهای رسانه‌ای ضمن اینکه در مقایسه با گذشته اهمیت بیشتری یافته است عرصه مهمی در تحقق قدرت نرم کشورها نیز محسوب می‌شود.

مهمترین نتیجه کسب اعتماد عمومی جامعه عراق ایجاد مشروعیت و به عبارتی مشروعیت بخشی به سایر اقدامات ج.ا.ایران در این کشور خواهد بود. شکل دهی و مدیریت افکار عمومی عراق نیز از آن جهت حائز اهمیت است که ابتدا از لحاظ "پیامد و نتایج همان اهمیت ارتباطات و اقدامات دیپلماتیک پنهان و سنتی بین سران کشورها را داراست. از طرفی، مدیریت افکار عمومی، شکل دهنده محیط مربوط به تصمیمگیری‌ها و همچنین اقدامات سیاسی ج.ا.ایران در عراق خواهد بود و در پایان، مدیریت و کنترل افکار عمومی عراق موجب ایجاد کنش همسوآنان و مولد پشتیبانی و حمایت آنان از برنامه های پیشنهادی، خواست های مطلوب و اهداف ج.ا.ایران در عراق می گردد.

منابع

- (۱) امام زاده فرد، پرویز (۱۳۸۹). «بررسی جایگاه قدرت نرم در سیاست: از دوران باستان تا زمان معاصر»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۷، ۱۶۰-۱۴۳.
- (۲) برزگر، کیهان (۱۳۸۶). «ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه ای خلیج فارس»، راهبرد، شماره ۴۳، بهار، ۷۵-۵۹.
- (۳) بهزادی، حمید (۱۳۶۸). اصول روابط بین الملل و سیاست خارجی، تهران: دهخدا.
- (۴) پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹). «مفهوم شناسی گفتمان نرم و محیط راهبردی متأثر از آن»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸، بهار، ۶۰-۳۳.
- (۵) جردن، تری. ج و روانتری، لستر (۱۳۸۰). مقدمه ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- (۶) حبیب زاده، محمدجعفر و اسماعیل رحیمی نژاد (۱۳۸۶). «کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مدرس، دوره ۱۱، شماره ۴، ۸۲-۵۱.
- (۷) حسن خانی، محمد (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، دوفصلنامه دانش سیاسی، شماره دوم، پاییز و زمستان، ۱۴۸-۱۳۵.
- (۸) خدادادی، اسماعیل (۱۳۸۲). مبانی علم سیاست، قم: انتشارات یاقوت.
- (۹) سیف زاده، سیدحسین (۱۳۷۹). نظریه پردازی در روابط بین الملل، تهران: انتشارات سمت.
- (۱۰) شریعتی، شهروز (۱۳۸۸). «معرفت شناسی بنیان های فکری گفتمان مقاومت اسلامی در انقلاب ایران»، در مجموعه مقالات همایش بین المللی مقاومت، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۸۲-۵۷.
- (۱۱) ذولفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷). «مؤلفه ها و ظرفیت های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۸، شماره ۱۸، پاییز و زمستان.
- (۱۲) عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۲). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- (۱۳) عامری، هوشنگ (۱۳۷۴). اصول روابط بین الملل، تهران: نشر آگه.
- (۱۴) علی بابایی، غلامرضا (۱۳۷۵). فرهنگ روابط بین الملل، تهران: وزارت امور خارجه.
- (۱۵) عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۹). «مقایسه مردم سالاری دینی و لیبرال دموکراسی»، راهبرد یاس، شماره بیست و یکم، ۳۱۱-۲۹۱.

- ۱۶) فتاحی اردکانی، محسن، مسعودنیا، حسین و امام جمعه زاده، سیدجواد (۱۳۹۷). «تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده آن از دیدگاه جوزف نای» دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۸، شماره ۱۸، صص ۱۵۲-۱۳۰.
- ۱۷) فرانکل، جوزف (۱۳۷۶). روابط بین الملل در جهان متغیر، مترجم عبدالرحمان عالم، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۱۸) قهرمان پور، رحمان (۱۳۸۹). «تقدم الهام بخشی بر قدرت نرم در سیاست های خارجی ج.ا. ایران در جهان اسلام»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸، بهار، ۱۷۲-۱۴۷.
- ۱۹) کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۲). اصول روابط بین الملل در تئوری و عمل، تهران: قومس.
- ۲۰) مریجی، شمس الله (۱۳۸۷). مبانی فکری و زمینه های اجتماعی جریان های معاصر عراق، قم: موسسه بوستان کتاب.
- ۲۱) مورگنتا، هانس. جی (۱۳۷۴). سیاست میان ملت ها، مترجم حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲۲) نای، جوزف (۱۳۸۳). «کاربرد قدرت نرم»، ترجمه سیدرضا میرطاهر، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوم، شماره ۶، زمستان، ۳۹-۱.
- ۲۳) نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم (ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل)، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۴) نیک آئین، احسان (۱۳۸۸). «دیپلماسی عمومی؛ رویکردی نو در عرصه روابط بین الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و سوم، شماره ۲، ۳۹۴-۳۶۱.
- ۲۵) همایون مصباح، حسین (۱۳۸۳). «مردم سالاری دینی، پاسخ بنیادین حکومت اسلامی»، اندیشه، سال دهم، شماره سوم، ۱۱۸-۹۱.
- 26) Dehshiri.reza and mohammadrezamajidi (2118-9). "irans foreign policy in postrevolution era: ahologic approach".iranian journal of international affairs.vol.12.no.1-2pp:111.114.
- 27) Mohammadi, Manouchehr (2118)."The source of power in Islamic republic of iran". iranian journal of international affairs.vol.16.no.2pp:1-21.
- 28) -Morgenthau, Hans. J (1973). Politicsamong nations, the struggle for power and peace. New york: Alfred A.Knopf (fifth edition).
- 29) Nye. Joseph (2011). The future of power. Published in, United State: Public Affairs.